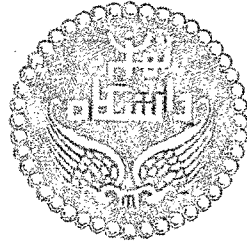


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۳۲۵



پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

کارکرد دیپلماسی عمومی آمریکا

در تهدید امنیت ملی ج.ا.ایران

استاد راهنما: دکتر ابراهیم متقی

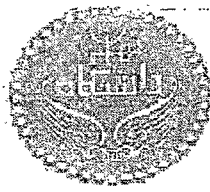
استاد مشاور: دکتر محمد جعفر جوادی

دانشجو: حامد نصرتی

تابستان ۱۳۸۸

از انتشارات دانشگاه تهران
تیراژ: ۱۰۰ نسخه

۱۳۸۸/۱۲/۲



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی علوم سیاسی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : حامد نصرتی

گرایش :

در رشته : علوم سیاسی

با عنوان : کارکرد دیپلماسی عمومی آمریکا در تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

را در تاریخ : ۸۸/۶/۳۱

| | |
|--------|------------|
| به عدد | به حروف |
| ۱۹۱- | نوزده و یک |

با نمره نهایی :

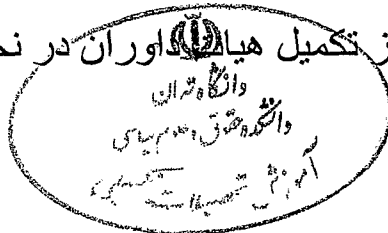
ارزیابی نمود .

عالی

با درجه :

| ردیف | مشخصات هیات داوران | نام و نام خانوادگی | مرتبۀ دانشگاهی | دانشگاه یا موسسه | امضاء |
|------|---|------------------------------|----------------|---------------------------|-------|
| ۱ | استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد): | دکتر ابراهیم منقی | دانشیار | دانشکده حقوق و علوم سیاسی | |
| ۲ | استاد مشاور | دکتر محمد جعفر جوادی ارجمندی | استادیار | دانشگاه شهید بهشتی | |
| ۳ | استاد داور (یا استاد مشاور دوم) | دکتر سید حسین سیف زاده | استاد | دانشکده حقوق و علوم سیاسی | |
| ۴ | استاد مدعو | | | | |
| ۵ | نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی : | دکتر عبدالرحمن عالم | استاد | دانشکده حقوق و علوم سیاسی | |

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .



چکیده:

دیپلماسی عمومی آمریکا، سیاستی است که از سوی دستگاه وزارت خارجه آمریکا اجرا می‌گردد. در این سیاست سعی می‌گردد با استفاده از برقراری ارتباط با لایه‌های پایین اجتماع کشورهای دیگر، سیاست فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا انجام گردد. در این پژوهش علاوه بر ذکر مؤلفه‌های امنیت ملی ج.ا.ایران، برنامه‌های دیپلماسی عمومی آمریکا در خصوص ایران ذکر شده و در پایان تاثیر این برنامه بر امنیت ملی ج.ا.ایران ارزیابی شده‌است.

کلیدواژه:

دیپلماسی عمومی، امنیت ملی، مؤلفه‌های امنیت ملی ج.ا.ایران، برنامه مبادلات، برنامه بین‌المللی بازدید از آمریکا، برنامه همیار تدریس زبان خارجی، تهدید نرم، برنامه فولبرایت.

Abstract:

U.S Public Diplomacy is a Policy by which Department of State is responsible to execute. In this Policy it is being tried to Stablish a relationship with lower layers of target societies (from other Countries) to pave the way for examining policy. In this paper in addition to mentioning Iranian National Security Factors, we have stated United State's Public Diplomacy programs toward I.R.Iran and finally the effects of this programs on I.R.Iran's National Security is being estimated.

Key words:

Public Diplomacy, National Security, I.R.Iran's National Security Factors, Exchange Program, IVLP (International Visitor Leadership Program), FLTA(Foreign Language Teaching Assistant), Soft Threat, Fulbright Program.

پاس خداوندی که نعمت بزرگ را ارزانی ام داشت؛

تقدیم به:

همسرم، او که پروردگار از جنس خودم آفریدش تا در کنارش به آرامش برسم و میان مودت و رحمت قرار داد.

وسای خاضعانه از:

ماد و پدرم؛ آن‌ها که مرا بیاوردند و عشق به اهل بیت (ع) پروریدند و در مسیر تکامل قرار دادند.

با قدر دانی از:

معلمان و اساتید بزرگوارم که مسیر علم را برایم هموار نمودند و از ظلمت به نور هدایت کردند.

و به یاد:

مردان بی ادعایی که در راه سربلندی ایران عزیز، خون خود را بی هیچ چشم داشتی به معبود هدیه کردند.

فهرست مطالب:

مقدمه: ۱

بخش اول: کلیات پژوهش

۱. عنوان یا موضوع: ۴
۲. تبیین موضوع: ۴
۳. اهداف و اهمیت پژوهش ۶
۴. نتیجه و کاربرد پژوهش: ۷
۵. سوال اصلی: ۷
- ۵.۱. سوالات فرعی: ۷
۶. فرضیه اصلی: ۷
۷. فرضیه جانشین: ۸
۸. مفاهیم پژوهش: ۸
- ۸.۱. دیپلماسی عمومی: ۸
- ۸.۲. امنیت ملی: ۸
۹. ادبیات پژوهش: ۹
- ۹.۱. کتب مربوط به مسائل امنیتی: ۱۰
- ۹.۲. کتب مربوط به دیپلماسی عمومی: ۱۴
۱۰. متغیرها ۱۸
- ۱۰.۱. متغیر مستقل: ۱۹
- ۱۰.۲. متغیر وابسته: ۱۹
۱۱. چارچوب نظری پژوهش: ۱۹
- ۱۱.۱. نظریه کارکردگرایی ساختاری (ساختی) ۱۹
- ۱۱.۱.۱. پیش فرضهای کارکردگرایی ساختاری ۱۹
- ۱۱.۲. واقع گرایی نوکلاسیک ۲۰

بخش دوم: امنیت ملی ج.ا.ایران

| | |
|----|--|
| ۲۲ | فصل اول: مفهوم امنیت ملی |
| ۲۳ | ۱. مفهوم «امنیت ملی» |
| ۲۵ | ۲. تحول مفهوم امنیت ملی در گذر زمان |
| ۲۵ | ۳. ابعاد امنیت ملی |
| ۲۶ | ۳.۱. نظامی |
| ۲۶ | ۳.۲. سیاسی |
| ۲۷ | ۳.۳. اقتصادی |
| ۲۹ | ۳.۴. فرهنگی |
| ۲۹ | ۳.۵. زیست محیطی |
| ۳۱ | ۴. تعریف مفهوم امنیت ملی |
| ۳۲ | فهرست منابع: |
| ۳۴ | فصل دوم: رویکردهای مختلف به امنیت ملی |
| ۳۵ | ۱. رویکرد سنتی |
| ۳۵ | ۱.۱. رویکرد رئالیستی به امنیت ملی |
| ۳۵ | ۱.۲. رویکرد ایده آلیستی به امنیت ملی |
| ۳۶ | ۲. رویکردهای مدرن |
| ۳۶ | ۲.۱. رویکرد نوکارکردگرایی |
| ۳۷ | ۲.۲. رویکرد نواقع گرایی |
| ۳۹ | ۲.۳. رویکرد نهادگرایی لیبرال (نولیبرالیسم) |
| ۴۰ | ۲.۴. رویکرد واقع گرایی نوکلاسیک |
| ۴۰ | ۳. رویکردهای پسامدرن در امنیت ملی |
| ۴۰ | ۳.۱. نظریه سازنده گرایی |
| ۴۱ | ۳.۲. مکتب کپنهاگ |
| ۴۲ | فهرست منابع: |

فصل سوم: تهدیدات امنیت ملی و ابعاد آن ----- ۴۴

۱. تهدیدات سخت ----- ۴۵

۲. تهدیدات نرم ----- ۴۵

۲.۱. ابعاد تهدید نرم در حوزه فرهنگ ----- ۴۷

۲.۲. ابعاد تهدید نرم در حوزه سیاسی ----- ۴۸

۳. قدرت نرم و حوزه‌های آن ----- ۴۹

۳.۱. سطح راهبردی قدرت نرم ----- ۵۰

۳.۲. سطح میانی قدرت نرم ----- ۵۰

۳.۳. سطح تاکتیکی قدرت نرم ----- ۵۰

۴. اهمیت پذیرش جهانی در پیشبرد سیاست خارجی ----- ۵۰

فهرست منابع: ----- ۵۱

فصل چهارم: مؤلفه‌های امنیت ملی ج.ا.ایران ----- ۵۳

۱. شریعت: ----- ۵۵

۱.۱. پیوستگی دین و سیاست ----- ۵۷

۱.۲. بسط ارزش‌های اسلامی در جامعه ----- ۵۸

۱.۳. گسترش عفت عمومی ----- ۵۹

۲. رهبری ----- ۶۰

۳. مردم و پتانسیل‌های نیروی انسانی ----- ۶۰

۳.۱. در صحنه‌بودن مردم ----- ۶۱

۳.۲. مردم‌سالاری ----- ۶۲

۴. استقلال سیاسی ----- ۶۲

۵. تمامیت ارضی و یکپارچگی سرزمینی ----- ۶۳

۵.۱. اندیشه جهاد و دفاع در اسلام ----- ۶۳

۵.۲. توانمندی نظامی ----- ۶۳

۵.۳. جغرافیای مناسب و وسعت سرزمینی ----- ۶۴

۶. وحدت ملی ----- ۶۵

۷. هویت ملی - ایرانی ----- ۶۶

۷.۱. تعریف هویت ملی ----- ۶۶

| | | |
|----|--|-----|
| ۶۷ | هویت ایرانی | ۷.۲ |
| ۶۷ | مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان | ۷.۳ |
| ۶۸ | قدرت اقتصادی | ۸ |
| ۶۹ | استمرار جریان صدور نفت | ۸.۱ |
| ۷۰ | ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی - فرهنگی کشور | ۹ |
| ۷۰ | فهرست منابع: | |

بخش سوم: دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا

| | | |
|----|--|----------|
| ۷۴ | مفهوم دیپلماسی عمومی | فصل اول: |
| ۷۵ | تعریف مفاهیم سیاست خارجی و دیپلماسی | ۱. |
| ۷۵ | توجه به فرهنگ و ویژگی دیپلماسی در قرن جدید | ۲. |
| ۷۶ | تعریف دیپلماسی عمومی | ۳. |
| ۸۰ | تفاوت دیپلماسی عمومی با سایر اصطلاحات مشابه: | ۳.۱ |
| ۸۱ | مقایسه دیپلماسی عمومی با دیپلماسی سنتی: | ۴. |
| ۸۲ | فهرست منابع: | |

| | | |
|----|---|----------|
| ۸۵ | پیشینه و سابقه دیپلماسی عمومی | فصل دوم: |
| ۸۶ | زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری دیپلماسی عمومی: | ۱. |
| ۹۱ | تحولات فرهنگی و توجه به دیپلماسی عمومی: | ۲. |
| ۹۳ | سابقه دیپلماسی عمومی در سایر کشورها: | ۳. |
| ۹۴ | فرانسه: | ۳.۱ |
| ۹۴ | انگلستان: | ۳.۲ |
| ۹۵ | آلمان: | ۳.۳ |
| ۹۵ | کانادا: | ۳.۴ |
| ۹۵ | فهرست منابع: | |

| | | |
|-----|--|----------|
| ۹۸ | کارکرد دیپلماسی عمومی | فصل سوم: |
| ۹۹ | کارکرد دیپلماسی عمومی | ۱. |
| ۱۰۳ | کارکرد دیپلماسی عمومی برای آمریکا | ۲. |
| ۱۰۷ | جایگاه دیپلماسی در استراتژی امنیت ملی آمریکا | ۲.۱ |

۳. اهداف دیپلماسی عمومی ----- ۱۰۸

۳.۱. اهمیت دیپلماسی عمومی ----- ۱۰۹

فهرست منابع: ----- ۱۱۱

فصل چهارم: برنامه‌های دیپلماسی عمومی آمریکا ----- ۱۱۴

۱. آژانس اطلاعات ایالات متحده آمریکا ----- ۱۱۵

۲. وزارت امور خارجه ----- ۱۱۶

۲.۱. تبادلات فرهنگی و آموزشی ----- ۱۱۷

۲.۲. فعالیتهای اطلاعاتی ----- ۱۱۹

۲.۳. بخش برنامه‌های بین‌المللی ----- ۱۲۰

۳. کمیسیون مشورتی دیپلماسی عمومی ----- ۱۲۳

۴. دفتر ارتباطات جهانی ریاست جمهوری ----- ۱۲۴

۵. شورای امنیت ملی ----- ۱۲۵

۶. وزارت دفاع ----- ۱۲۶

۷. دیپلماسی عمومی از طریق سازمان‌های غیرحکومتی ----- ۱۲۸

۷.۱. سیاست خارجی ----- ۱۲۸

۷.۲. تربیت دانشجویان خارجی و اعطای بورس تحصیلی ----- ۱۲۸

۷.۳. ایجاد شبکه روشنفکری ----- ۱۲۹

۷.۴. نظریه‌پردازی‌های اجتماعی - اقتصادی در جهان سوم ----- ۱۲۹

۷.۵. حمایت از سازمان‌های تبلیغاتی ----- ۱۳۰

۷.۶. حمایت از گردهمایی‌ها و مطالعات بین‌المللی ----- ۱۳۰

۷.۷. حمایت از پژوهش‌های مستقل ----- ۱۳۰

۷.۸. تأثیرگذاری بر رسانه‌های تبلیغاتی ----- ۱۳۱

۸. حمایت از سازمان‌های غیردولتی به ویژه در موضوع «حقوق بشر» ----- ۱۳۲

فهرست منابع: ----- ۱۳۲

فصل پنجم: برنامه‌های دیپلماسی عمومی وزارت خارجه آمریکا در ایران ----- ۱۳۵

۱. برنامه فولبرایت برای تبادل دانشجو، معلم و استاد؛ ----- ۱۳۶

۲. آموزش زبان انگلیسی؛ ----- ۱۳۷

۳. برنامه بازدیدکنندگان بین‌المللی از آمریکا ----- ۱۳۷

۴. حمایت، کمک و آموزش اعضای سازمانهای غیر دولتی با استفاده از مؤسسات خارجی ----- ۱۳۷
۵. آموزش روزنامه نگاران. ----- ۱۳۸
۶. رادیو و تلویزیون صدای آمریکا ----- ۱۳۸
۷. رادیو فردا ----- ۱۳۸
۸. دفتر حفاظت از منافع ایالات متحده: ----- ۱۳۹
- فهرست منابع: ----- ۱۴۰

بخش چهارم: کارکرد دیپلماسی عمومی آمریکا در تهدید امنیت ملی ج.ا.ایران

۱. برنامه‌های دیپلماسی عمومی چه گروهی از جامعه ایران را مورد هدف قرار داده است؟ ----- ۱۴۸
۲. تاثیر کارکردهای برنامه دیپلماسی عمومی آمریکا بر شاخص‌های امنیت ملی ج.ا.ایران ----- ۱۵۰
۳. آمریکا در ایران به دنبال چیست؟ ----- ۱۵۸
- نتیجه‌گیری: ----- ۱۵۸
- فهرست منابع: ----- ۱۶۰

- منابع ----- ۱۶۲
- کتاب فارسی: ----- ۱۶۲
- مقالات: ----- ۱۶۵
- کتاب لاتین: ----- ۱۶۶
- منابع اینترنتی: ----- ۱۶۷

مقدمه:

امنیت، بسترساز تامین سایر نیازها است، از این رو آن را اولین نیاز بشر دانسته‌اند. در سایه امنیت، قانون شکل گرفته و نظم و ترتیب سیطره خود را بر بی‌نظمی و هرج و مرج گسترش می‌دهد. امنیت ملی به مثابه شاخص‌هایی است که اجتماعی بر پایه‌ی آن شاخص‌ها گرد هم آمده‌اند و تا زمانی که آن مؤلفه‌ها پایدارند، آن اجتماع از ثبات نسبی برخوردار خواهد بود.

مردم ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با توجه به شرایط تاریخی- فرهنگی و انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی برای امنیت ملی آن‌ها متصور است.

از سویی دیگر امنیت کشورها به دلیل تعارض منافع در معرض تهدید قرار دارد. تامین منافع ملی رابطه مستقیمی با تامین امنیت ملی پیدا کرده‌است و از آن‌جا که منافع کشورها در برخی موارد در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرد، تلاش برای کسب حداکثری منافع موجب تهدید امنیت ملی می‌گردد.

پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ مردم ایران، سقوط نظام سلطنتی پهلوی و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در ایران، منافع ایالات متحده آمریکا در منطقه به خطر افتاد. از آن زمان تا کنون، تلاش‌های بسیاری از سوی دو کشور ایران و آمریکا برای کسب حداکثری منافع صورت گرفته‌است. این تقابل جدی بر روی منافع و قطع روابط دیپلماتیک از اوایل انقلاب از یک سو و شعار استکبارستیزی و ضد امپریالیسم که با محوریت «آمریکای جنایتکار» و «آمریکا، شیطان بزرگ» بخشی از هویت انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد از دیگر سو باعث گردیده‌است تا آمریکا برای تامین منافع خود، در صدد سرنگونی نظام جمهوری اسلامی باشد و برای رسیدن به این هدف سیاست‌های مختلفی را دنبال نموده‌است.

یکی از سیاست‌های نوین آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، سیاست «دیپلماسی عمومی» است. دیپلماسی عمومی راهی است تا ایالات متحده آمریکا بتواند از طریق آن با مردم ایران به صورت مستقیم گفتگو کند. این گفتگو بر روی مسائل مشترک دو ملت ایران و آمریکا استوار خواهد بود و هدف آن تغییر نگرش مردم ایران از آنچه حکومت جمهوری اسلامی تبلیغ می‌نماید، می‌باشد. در واقع ایالات متحده بر آن است تا از طریق ارتباطات علمی، آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای افکار نخبگان و مردم ایران را به نفع خود تغییر دهد و این تغییر افکار به گونه‌ای طراحی گردد تا به مرور زمان موجب تغییر رفتار، فشار بر روی سیاستگذاران و در نهایت تغییر ساختار گردد.

همانگونه که اشاره شد، دیپلماسی عمومی شامل ابزار و برنامه‌هایی است تا مردم ایران بتوانند از طریق آن آمریکا را آن گونه که آمریکاییان می‌خواهند بفهمند. این برنامه‌ها چندی است که از سوی ارگان‌های مختلف حکومت آمریکا برای مردم ایران دنبال می‌شود.

با نگاهی دقیق به حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ ج.ا.ایران و مرور دادخواست مربوط به متهمان حوادث پس از انتخابات، درمی‌یابیم که دادخواست مذکور یکی از عوامل اصلی ایجاد اغتشاشات

پس از انتخابات را «سیاست دیپلماسی عمومی آمریکا» می‌داند و به خوبی آن را در راستای براندازی نرم نظام ج.ا.ایران عنوان نموده است:

«...با توجه به جدول ترسیمی در تقویم کشور جهت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸؛ برنامه اجرایی اهداف فوق توسط بیگانگان با فرصت‌طلبی از آزادی‌های موجود؛ در راستای براندازی نرم جمهوری اسلامی ایران و در قالب پروژه دیپلماسی عمومی (Public diplomacy) و اقدامات پنهان (Covert Action) به مرحله اجرا درآمده است.

براندازی نرم و اقدامات پنهان:

براندازی نرم که با ظاهری آراسته و برای عادی سازی در نزد افکار عمومی از آن با عنوان دیپلماسی عمومی یاد نمودند دارای مفاهیم و ویژگی‌های ذیل می‌باشد:

از منظر یکی از دستگاه‌های اطلاعاتی غرب:

«دیپلماسی عمومی به دنبال این هدف است که منافع و امنیت ملی ما را از طریق درک، آگاهی و تاثیر بر مردم کشورهای دیگر حفظ کرده و از گفتگو بین شهروندان ما و موسسات و هم‌تایان آنها در خارج نیز بهره‌بردارد.»

براندازی نرم از دیدگاه غرب همانا تحمیل ارزش‌ها و چهارچوب‌های فکری حاکم بر جوامع غربی به دیگر جوامع است تا از این طریق و به صورت خودکار سیستم آن کشور هدف متاثر و همراه با سیاست‌های نظام سلطه گردد.

هدف دیپلماسی عمومی غرب «ملت‌ها» و مسیر و غایت نهایی آن تاثیرگذاری با هدف تسهیل در سیاست‌های معطوف به اقدامات پنهان و براندازانه است بنابراین اقدامات پنهان در چارچوب دیپلماسی عمومی؛ مستلزم بکار بستن پیچیده‌ترین شیوه‌های عملیات روانی تهاجمی می‌باشد...^۱

این پژوهش بر آن است تا در مرحله اول تشریح کاملی از دو مفهوم «امنیت ملی ج.ا.ایران» و «دیپلماسی عمومی آمریکا» ارائه نماید. شناسایی و استخراج شاخص‌های امنیتی ج.ا.ایران از دیگر اهداف این تحقیق را تشکیل می‌دهد. این شاخص‌ها اصلی‌ترین مؤلفه‌های تامین امنیت ملی ایرانیان خواهد بود. در قسمتی دیگر از پژوهش برنامه‌ی دیپلماسی عمومی تشریح و کارکرد آن مشخص می‌گردد. در بخش پایانی پژوهش نیز تاثیر کارکرد دیپلماسی عمومی بر شاخص‌های امنیتی ج.ا.ایران برآورد خواهد شد. این پایان‌نامه در چهار بخش کلی و در قالب نه فصل تنظیم شده است.

در پایان لازم می‌دانم، مراتب تقدیر و تشکر خود را از اساتید گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران بویژه اساتید راهنما و مشاور که در تهیه این طرح پژوهشی یاریم نمودند به عمل آورم.

^۱ شبکه خبری ایرنا، قابل دسترس در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۸۸ به آدرس: <http://www.irna.ir/03/news/view/line->

[7/8805160103101735.htm](http://www.irna.ir/03/news/view/line-7/8805160103101735.htm)

بخش اول:

کلیات پژوهش

۱. عنوان یا موضوع:

کارکرد دیپلماسی عمومی آمریکا در تهدید امنیت ملی ج.ا.ایران.

۲. تبیین موضوع:

تهدید نرم به روحیه، به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می‌کند، عزم و اراده‌ی ملت را از بین می‌برد، مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست‌های نظام را تضعیف می‌کند. فروپاشی روانی یک ملت می‌تواند مقدمه‌ای برای فروپاشی سیاسی-امنیتی و ساختارهای آن باشد. «جوزف نای» قدرت نرم را شیوه‌ی غیر مستقیم رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید یا پاداش ملموس می‌داند. این شیوه‌ی غیر مستقیم رسیدن به نتایج مطلوب، چهره‌ی دوم قدرت است. بر این پایه یک کشور می‌تواند به مقاصد مورد نظر خود در سیاست جهانی نائل آید، چون کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند، از آن تبعیت می‌کنند، تحت تاثیر پیشرفت و آزاداندیشی آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌شوند. در این مفهوم آنچه مهم تلقی می‌شود، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کند. بنابراین قدرت نرم، توانایی کسب آنچه که می‌خواهید از طریق جذب کردن نه از طریق اجبار و یا پاداش می‌باشد.

دیپلماسی عمومی و ارتباطات راهبردی بخش مهمی از دکترین امنیت ملی ایالات متحده را پس از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، تشکیل می‌دهد. در سند «دکترین امنیت ملی آمریکا» در سال ۲۰۰۲، تصریح شده است که ایالات متحده آمریکا درگیر جنگ اندیشه‌هاست و در این راستا و برای استفاده از جامعه‌ی بین الملل باید به بالاترین میزان قدرت دست یابد... و دیپلماسی عمومی مؤثری را برای ترویج جریان آزاد اطلاعات و اندیشه به منظور زنده نگاه داشتن امید و الهام آزادی به کار گیرد. باور مشترک دولتمردان و کارگزاران دیپلماسی عمومی آمریکا این است که اگر مخاطبان خارجی از طریق بیان داستان از منظر آمریکا، این کشور را بهتر بشناسند، عاشق و شیفته‌ی آن خواهند شد. بنابراین، تصویر ذهنی نادرست مخاطبان از سیاست‌ها و رفتارهای راهبردی و فرهنگی آمریکا، منشاء سوء تفاهم‌ها و ستیزه‌جویی‌های آنهاست. بر این اساس، دیپلماسی عمومی به عنوان یک اسلحه نرم‌افزاری، نقشی اساسی در شکست کمونیسم و فروپاشی شوروی ایفا نموده است و اینک، به عنوان ضلع سوم استراتژی سه‌گانه آمریکا در تهاجم علیه تروریسم ظاهر شده و جهان اسلام و خاورمیانه را مورد هدف قرار داده است.

کمیسیون ۱۱ سپتامبر در گزارش پایانی خود تصریح نموده است: «بعد نرم جنگ علیه تروریسم»^۱ در قالب، «جنگ برای تسخیر قلوب و عقول»، باید به عنوان سومین ضلع از مثلث راهبرد و رهیافت نوین دولت ایالات متحده آمریکا برای مقابله با تروریسم لحاظ گردد. دو بعد دیگر این مثلث، حفظ امنیت در درون

مرزهای سرزمینی ایالات متحده و تعقیب و پیگیری جامع مراتب تروریسم در فراسوی این مرزها، تعریف شده است.

الگوی جنگ‌های جدید آمریکا صرفاً الگویی متکی بر توان نظامی آمریکا نیست، بلکه دارای ابعاد غیر نظامی نیز می‌باشد. این ابعاد بسیار پیچیده و در عین حال با اهمیت می‌باشند و به طور خلاصه می‌توان آنها را «دیپلماسی عمومی» نام گذاری کرد.

هدف دیپلماسی عمومی آمریکا آن است که در کنار فشار و تهدیدهای نظامی، دیدگاه‌های طرف مقابل را تغییر دهد و حالت انفعال و تسلیم پذیری در قبال قدرت مهاجم را ایجاد نماید و عملاً طرف مقابل را از مقابله منصرف سازد. در حقیقت با تکیه بر بعد تهاجم نرم‌افزاری، شخصیت و ذهنیت اجتماعی طرف‌های درگیر را کاهش داده و یا به طور کلی ذایل سازد و در ادامه قدرت تصمیم‌گیری برای ایستادگی و مقاومت رقبا و یا دشمنان را از آنان سلب و نیروهای چالشگر را به عناصری منفعل و بی‌خاصیت که حالت تسلیم بر آنها غلبه نموده، تبدیل کند. رویکرد اعمال دیپلماسی عمومی در الگوی جنگ‌های جدید، نوعی اقدام پیش‌دستانه است، زیرا قبل از آنکه نیروی چالشگر با آمریکا قصد نشان دادن تحرکی از سوی خود داشته باشد با ترکیبی از فشار نظامی، ارباب و از سوی دیگر اعمال دیپلماسی عمومی مواجه شده و از اقدام تقابلی خود منصرف می‌گردد. مدارک مستند نشان می‌دهد که اخیراً دیپلماسی عمومی با مفهوم و هدف‌گذاری جدید آن در صدر برنامه‌های آمریکا (با اجرای وزارت امور خارجه و پنتاگون) قرار گرفته است.

ابزارهای دیپلماسی عمومی آمریکا از سه عنصر اساسی رسانه‌های جمعی، آموزش، و تبادل متخصصان در زمینه‌های مختلف تشکیل شده است؛ تا ابتکارات، تلاش‌ها و اقدامات صورت گرفته طی چند سال گذشته را در این زمینه بر اساس بهترین تصاویر ذهنی از سیاست‌ها و رفتارهای دولت آمریکا در نزد مخاطبان خارجی به ویژه خاورمیانه‌ای نمایان سازد. بررسی‌ها و نظرسنجی‌های به عمل آمده از سوی مؤسسات و نهادهای دولتی و خصوصی آمریکا درباره میزان تاثیرگذاری موردنظر کارگزاران دیپلماسی عمومی در خاورمیانه و جهان اسلام، اندک بوده و مؤید این واقعیت است که مردم منطقه اعتمادی به سیاست‌های آمریکا ندارند.

اشاعه «مارک و دیدگاه آمریکایی» و اینکه «طرح داستان از منظر آمریکا» چگونه و توسط چه کسانی بیان شود، مشکل اساسی آمریکا در جهان اسلام و خاورمیانه نیست؛ بلکه سیاست‌ها و رفتارهای دوگانه‌ی این کشور در قبال واقعیت‌ها و حقایق‌های این منطقه از جهان است که در قالب ارزش‌های انسانی، دموکراسی و حاکمیت قانون قابل تفسیر و پذیرش نیست. تصویر ذهنی مردم منطقه از کارنامه‌ی دولت آمریکا، بی‌تفاوتی به باورهای آنها، استقلال، یکجانبه‌گرایی و توسل زورمندانه به قوه قهریه است که با اصول آزادی، استقلال تمامیت ارضی سایر ملل تعارض دارد. از این رو بهترین راه برای تغییر تصویر ذهنی جهان اسلام همان پیشنهاد گروه مشاوران دیپلماسی عمومی در گزارش چهارم فوریه ۲۰۰۴ به دولت بوش است که به جای افزایش هزینه‌های مالی باید تغییراتی در اولویت‌های استراتژی امنیت ملی آمریکا به وجود بیاورد.

دیپلماسی عمومی از منظر ایالات متحده آمریکا، برنامه‌های بوجود آمده توسط یک دولت به منظور اطلاع‌رسانی و تاثیرگذاری بر افکار عمومی در یک کشور دیگر تعریف شده‌است: در این تعریف سه محور نهفته‌است:

۱. دیپلماسی عمومی در جهت ارتقاء دیپلماسی رسمی و سستی آشکار و علنی شکل می‌گیرد.
۲. مخاطبان دیپلماسی عمومی، گروه‌های خاص ویا عموم جامعه در بطن یک ملت دیگر هستند؛ در حالی که در دیپلماسی رسمی، مخاطبان دولت‌ها هستند.
۳. محورها و موضوع‌های مورد نظر در دیپلماسی عمومی، درارتباط با عموم جامعه هدف لحاظ می‌گردد؛ در حالی که در دیپلماسی رسمی و سستی، موضوع‌های در ارتباط با رفتار دولت‌ها مدنظر قرار می‌گیرد.

مسئله اساسی که این نوشتار به آن می‌پردازد رابطه‌ی سیاست خارجی نوین ایالات متحده آمریکا (دیپلماسی عمومی) و کاربرد آن در تهدید امنیت ملی ج.ا.ایران است؛ خانم کارن هیوز، معاون اسبق دیپلماسی عمومی وزارت خارجه آمریکا در سخنرانی خود در کمیسیون مشورتی آمریکا، در این رابطه اظهار داشته‌است:

« بوش، رایس و من متعهد شده‌ایم دیپلماسی عمومی را تغییر داده و بازسازی کنیم. بوش به من دستور داد تا در معرفی ارزش‌های آمریکایی به مردم جهان تلاش مضاعف داشته‌باشم و جنگ برخورد ایده‌ها را در دستور کار قرار دهم. ما در کشورهای اسلامی باید کار تبادلات را از طریق گسترش آن به افراد جوان، به خصوص افرادی که بر آن تاثیرگذار هستند مانند روحانیون، معلمان، استادان و روزنامه‌نگاران، کاربردی‌تر کنیم تبادل و آموزش روزنامه‌نگاران، زنان و جوانان را در دستور کار قرار داده‌ایم. ما تمام وبلاگ‌ها را کنترل می‌کنیم و هر روز صبح یک گزارش یک تا دو صفحه‌ای به سیاستمداران دولت ارائه می‌دهیم تا از اخبار و تحولات جهان آگاه شوند. ما از روسای دانشگاه‌های آمریکا خواسته‌ایم تا آمریکا را به عنوان مقصد آموزش عالی در دنیا تبدیل کنند استفاده از گردشگری را گسترش می‌دهیم و استفاده از تکنولوژی را افزایش می‌دهیم تا دشمنان خود را زمین‌گیر کنیم.»

با کمی دقت در گفتمان براندازی‌نرم، در می‌یابیم، متغیرهای اجتماعی مانند آموزش، دادن شناخت و آگاهی نسبت به مسائل مختلف، جذب نخبگان موثر در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، توجه به افکار عمومی و بسیج اجتماعی آگاهانه مردم منجر به دگرگونی نظام اجتماعی می‌شود، با کنار هم قرار دادن این عوامل و اهداف دیپلماسی عمومی، تشابهات زیادی به چشم می‌خورد. امیدواریم در تحقیقی جامع، بتوانیم نقش دیپلماسی عمومی آمریکا در تهدیدات علیه امنیت ملی ج.ا.ایران را نشان دهیم.

۳. اهداف و اهمیت پژوهش

گذشته از علاقه‌ی شخصی نگارنده به مسائل فی‌مابین دو کشور ایران و آمریکا و همچنین نسبت به انقلابات نرم، امیدواریم این پژوهش نتایج و اهداف زیر را برآورده سازد:

- شناخت شاخص‌های امنیت ملی ج.ا.ایران.
- شناخت تهدیدات نوین امنیت ملی ایران.
- بررسی سیاست دیپلماسی عمومی آمریکا.
- کسب آگاهی لازم در مورد برنامه‌ها و ابزارهای دیپلماسی عمومی آمریکا.
- بررسی کارکرد دیپلماسی عمومی آمریکا در تهدید امنیت ملی ج.ا.ایران.

۴. نتیجه و کاربرد پژوهش:

نتیجه این پژوهش می‌تواند به درک مفاهیم دیپلماسی عمومی و امنیت ملی کمک کرده و همچنین تاثیر دیپلماسی عمومی را در شاخص‌های امنیتی ج.ا.ایران نشان دهد. نتایج کاربردی این تحقیق می‌تواند، زمینه را جهت سیاست‌گذاری مناسب در اختیار مراکز هم‌چون وزارت امور خارجه، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، نهاد ریاست جمهوری و سایر مراکز سیاست‌گذار گذاشته تا با شناخت بیشتر از سیاست‌های خارجی نوین آمریکا و تاثیرات تهدیدی آن راهکارهای مناسبی طراحی گردد.

۵. سوال اصلی:

✓ دیپلماسی عمومی آمریکا چه تاثیری در تهدید شاخص‌های امنیت ملی ج.ا.ایران دارد؟

۵.۱. سوالات فرعی:

۱. کارکرد دیپلماسی عمومی در امنیت ملی کدام است؟
۲. شاخص‌های امنیت ملی ج.ا.ایران کدامند؟
۳. سیاست دیپلماسی عمومی آمریکا چیست؟
۴. در عصر براندازی نرم چه تهدیدات نوینی امنیت ج.ا.ایران را به چالش می‌کشاند؟
۵. دیپلماسی عمومی چگونه و از چه طریق اجرا می‌گردد؟

۶. فرضیه اصلی:

تهدیدات نرم منتج شده از سیاست دیپلماسی عمومی آمریکا با استفاده از غافلگیری در حوزه‌های اجتماعی و امنیت استراتژیک، امنیت ج.ا.ایران را به چالش می‌کشد.

۷. فرضیه جانشین:

برنامه‌های دیپلماسی عمومی آمریکا در رابطه با ایران از جمله تبادلات مردمی، فرهنگی و رسانه‌ای بر روی مهمترین شاخص امنیتی ج.ا.ایران یعنی «مردم» تأثیری به نفع سیاست‌های ایالات متحده و به ضرر منافع ج.ا.ایران خواهد داشت.

۸. مفاهیم پژوهش:

۸.۱. دیپلماسی عمومی:

دیپلماسی عمومیⁱ (دیپلماسی مردم محور)، به معنای کاربرد ابزارهای بین‌فرهنگی و ارتباطات بین‌المللی در سیاست خارجی است و به گونه‌ای فراگیر شامل دیپلماسی فرهنگی و ارتباطی می‌شود. کتاب «فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل» که وزارت امور خارجه آمریکا آن را منتشر کرده است دیپلماسی عمومی را برنامه‌های مورد حمایت دولت تعریف کرده که با هدف اطلاع‌رسانی یا تأثیرگذاری بر افکار عمومی در کشورهای دیگر انجام می‌شود و شامل انتشارات، تصاویر متحرک، تبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون می‌گردد. مارتین منینگⁱⁱ، کارشناس ارشد اسناد دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه آمریکا، تصریح می‌کند که از نظر سازمانی، دیپلماسی عمومی شامل برنامه‌های مرتبط با انتشار کتاب و تشکیل کتابخانه‌ها، پخش رادیویی و تلویزیونی بین‌المللی، برنامه‌های تبادلات آموزشی و فرهنگی، آموزش زبان، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های هنری و اعزام هنرمندان نمایشی و اجرایی به خارج از کشور است.

۸.۲. امنیت ملی:

در بررسی‌های سنتی امنیت، از برداشت‌های سه‌گانه‌ی واقع‌گرایانه، آرمان‌گرایانه و نهادگرایانه در زمینه‌ی مفهوم امنیت ملی نام می‌برند، ولی در بررسی‌های جدید میان‌انگاره‌های سنتی امنیت و انگاره‌های مدرن آن تفکیک قائل می‌شوند و حتی از گفتمان فرامدرن امنیت نیز سخن می‌رود. در گفتمان سنتی ضمن قائل شدن نقش اساسی برای دولت در معماری ساختمان امنیتی جامعه، توانایی‌ها و شیوه‌های نظامی، اساسی‌ترین ابزار تامین امنیت ملی کشورها دانسته می‌شد. در اینجا «تهدید نظامی» مهمترین شکل تهدید و شاید تنها تهدید «برانداز» در نزد دولت-کشورها محسوب می‌گردید و به تعبیر «والتر لیپمن» حفظ ارزش‌های ملی در جنگ‌های احتمالی و یا از دست ندادن آن‌ها ضمن اجتناب از جنگ، هدف

اساسی امنیت ملی دولت‌ها را تشکیل می‌داد. طبیعی است که در این گفتمان معمولا تهدیدات در بیرون از مرزهای ملی مورد نظر می‌باشند. سلبی‌نگری، مشخصه‌ی اصلی مفهوم امنیت ملی در گفتمان سنتی است. اما در گفتمان مدرن امنیت، تقریباً تمامی عناصر موجود در گفتمان سنتی مورد نقد و بازنگری قرار می‌گیرند. در گفتمان مدرن امنیت ملی، جایگاه دولت دز عین مهم بودن، همواره اساسی‌ترین نقش را دارا نیست. برعکس در این مرحله بر کوچک‌سازی و محدود نمودن کنترل دولتی‌تاکید شده و به جای آن پایه‌های اجتماعی دولت عامل اصلی در ملاحظات امنیت ملی کشورها تلقی می‌شود. در این برداشت، حکومت کنندگان، نمایندگان جامعه به شمار رفته و مسئولیت دولت در قبال جامعه نیز، پیامدهای خاص خود را دارد که در نهایت به پیدایش جامعه قوی در برابر دولت ضعیف منجر می‌شود. به تبع این اصل تهدید نظامی مهمترین تهدید بالقوه کشور محسوب نمی‌گردد، بلکه به جای آن آسیب‌پذیری‌های داخلی و زمینه‌های درونی تهدید مورد دقت نظر جدی قرار می‌گیرد. این تحول باعث می‌گردد تا نقش نیروهای نظامی در تامین امنیت پایدار به مانند گذشته جامع و مانع تلقی نگردد، بلکه با فراهم آوردن چارچوب‌های فیزیکی نظم و امنیت به کمک این نیروها، ماهیت سیاست‌ها و راهبردها در پرتو کارکرد سایر نیروهای ملی بر روند ملی و میزان تحقق امنیت تاثیرگذار خواهد بود. در گفتمان مدرن امنیت ملی که مخصوصا در مناطق توسعه‌یافته قابل تحقق می‌باشد، تهدیدهای مرزی خارجی در نگرانی‌های ملی سهم اندکی (شاید صفر درصد) خواهند داشت. به جای آن تحقق زمینه‌های درونی امنیت - که پاسخگوی توانایی‌های ضروری برای رقابت‌های بیرونی در عرصه‌های غیر نظامی باشد - مشغله‌ی اساسی دولتمردان و اجتماع ملی را تشکیل می‌دهد.

مجموعه‌ی این تحولات باعث می‌گردد تا در گفتمان مدرن به جای «سلبی‌نگری» درباره‌ی امنیت، بیشتر به بعد «ابجابی» و «تاسیسی» آن پرداخته می‌شود. ماهیت تاسیسی امنیت، بر وجود «اطمینان خاطر» نزد شهروندان دلالت دارد. بر این اساس امنیت ملی، مجموعه‌ی توانمندی‌های یک نظام برای دستیابی به «منافع ملی» را شامل می‌شود که نبود تهدید صرفا مقدمه آن محسوب می‌گردد. در «امنیت اطمینان بخش» ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی یک ملت مورد توجه قرار می‌گیرد و از این رو جایگاه سایر عوامل تاثیرگذار مانند عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به هیچ وجه کمتر از عوامی نظامی‌گری تصور نمی‌شود. در واقع نگاه مدرن به امنیت، نگاهی چند سویه است که بر اساس آن، چه در سطح عوامل امنیت‌زا و چه در سطح عوامل امنیت زدا، موضوعات متنوعی اثرگذار می‌باشند.

۹. ادبیات پژوهش:

قبل از ورود به بحث ادبیات پژوهش و معرفی کتب و پژوهش‌های انجام گرفته در- رابطه با موضوع، این مسئله را مورد تاکید قرار می‌دهیم که در پژوهش‌های موجود تا کنون کتاب، مقاله و یا تحقیقی با نگاهی تهدیدی به امنیت ملی ج.ا.ایران به برنامه دیپلماسی عمومی آمریکا پرداخته‌است. اما پژوهش‌های بسیاری در رابطه با مسائل امنیتی ج.ا.ایران موجود می‌باشد. موضوع «دیپلماسی عمومی» هم علی‌رغم تازگی‌اش مورد